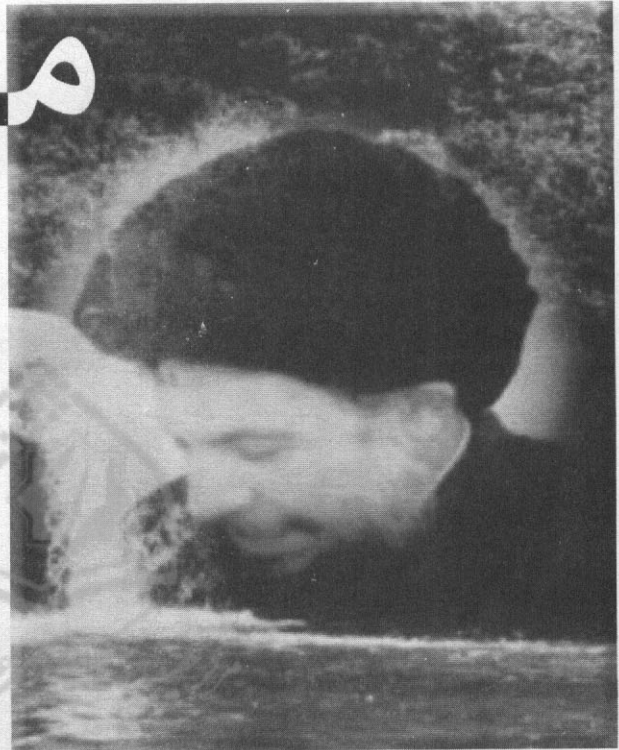


# بازشناسی، تحلیل و نقد نظریه

# منطقة الفراغ



مقدمه:

شهید سید محمد باقر صدر از دانشوران و فقیهان برجسته معاصر شیعه است که از علوم مختلف اسلامی آگاهی عمیق داشت؛ وی فقیهی بصیر و زمان شناس بوده و می کوشید در عرصه های مختلف متناسب با زمان و به گونه ای منطقی دیدگاه اسلام را در مسایل گوناگون بشناساند؛ وی نظریه های بدیع و مهمی در پاره ای از مسایل دانش هایی از قبیل فلسفه، منطق، اصول، فقه و اقتصاد داشت، که به حق در خور ستایش است. نظریه منطقه الفراغ در زمره آن دسته از دیدگاه های شهید صدر است که به دلیل گره گشایی و کلیدی بودن آن در فقه سیاسی، اقتصادی مسأله نقش زمان و مکان در اجتهاد و بسیاری از مسایل نوپدید، توجه خاص محققان را جلب کرده است این مقاله در پی آن است که نظریه منطقه الفراغ را به ویژه از زاویه ارتباط آن با احکام حکومتی و مصلحت گزارش و نقد کند.

بدین سان آدمی در پی برآوردن نیازهای خویش است و آنها جز در بستر جامعه قابل دستیابی نیست، از این رو به زندگی دسته جمعی روی می آورد؛ شهید صدر در این باره چنین می نویسد:

«انسان به گونه ای آفریده شده که حب نفس و تلاش در جهت نیازمندی های خود با ذات او آمیخته شده است، بدیهی است در این راه خود را به شدت نیازمند به خدمت گرفتن دیگران می بیند، زیرا وی قادر نیست نیازهایش را جز از راه همکاری با دیگر انسان ها برآورد. از این رو روابط اجتماعی از دامن نیازها زاده شده و با گسترش نیازها توسعه می یابد و به همین خاطر است که زندگی اجتماعی انسان مولود نیازهای انسان است.»<sup>۴</sup>

نیازهای انسان دو دسته است؛ نیازهای ثابت و نیازهای متغیر. نیازهای ثابت یا همان نیازهای اساسی که امکان ادامه حیات را برای انسان فراهم می سازد. مانند آب، غذا، هوا، تولید مثل و ... که میان همه انسان ها نیز مشترک است.

نیازهای متغیر نیازهایی است که انسان در صحنه زندگی به

## جامع بودن اسلام

شهید صدر معتقد بود اسلام دینی جامع و بر تمام شؤون زندگی آدمی پرتو می افکند و طرحی کامل و جامع برای بهتر زیستن و چگونه زندگی کردن دارد؛ وی در این باره می نویسد:

«از ویژگی های شریعت اسلامی که از بنیان آن جداناپذیر است، کلیت و همسویی آن با تمام شؤون زندگی بشر است. این همسویی و کلیت تنها از طریق استقرار و کنکاش احکام اسلام به دست نیامده؛ بلکه در مصادر و منابع اسلامی نیز به این کلیت تصریح شده است.»<sup>۱</sup>

بدین سان اسلام دینی است جامع و به فرموده امام صادق (ع) تمام آنچه را که حلال و حرام است و هر مسأله ای را که بشر در زندگی خود با آن روبرو می شود، اسلام حکمشان را بیان کرده است.<sup>۲</sup>

## احکام ثابت و متغیر<sup>۳</sup>

نیازهای انسان وی را واداشته تا در پی زندگی اجتماعی باشد؛

نتیجه مقدمات یاد شده آن است که اسلام دینی جامع و برای دنیا، آخرت، معیشت و معنویت مردم برنامه دارد و به همین دلیل احکام اسلام از دو بخش ثابت و متغیر تشکیل شده است. نیازهای در حال تغییر آدیان در بستر احکام متغیر تأمین می شود و ولایت و حکومت در تعیین این احکام سهم اساسی را دارد و ولی امر بـ... در نظر گرفتن مصالح و اهداف کلان برگرفته از شریعت - مانند عدالت - باید این احکام را وضع کند. بدین ترتیب مصلحت مبنای صدور احکام حکومتی است، این نکته در آثار مختلف شهید صدر آمده است. در این جا چند نمونه از مواردی را که ایشان مصلحت را مبنای احکام حکومت می دانند، نقل می کنیم.



شهید صدر در این باره می نویسد: «شکل حکومت انتخابی و نهادهای دولتی باید بیشترین هماهنگی را با مصلحت اسلام داشته باشد و در واقع با در نظر گرفتن آن چگونگی دولت و نهادهای مربوط به آن تعیین شود.»<sup>۹</sup>

«پس از انتخاب حکومت، حکومت منتخب باید برپایه مصالح مسلمانان، اعم از مصلحت های مادی و معنوی تصمیم بگیرد.»<sup>۱۰</sup>

بدین سان شهید صدر معتقد است دولت انتخابی جامعه اسلامی در احکام و قوانینی که برای اداره جامعه وضع می کند باید مصلحت ها را در نظر گیرد؛ در جای دیگر می نویسد از آن جا که دولت باید در چارچوب احکام شرعی و فتاوی فقیهان عمل کند و هرگاه فقیهان در فتوای خود اختلاف نظر داشته

باشند ولی امر یا مجلس انتخاب شده از اهل حل و عقد<sup>۱۱</sup> (مجلس شورای اسلامی) می باید هر فتوایی را که مطابق با مصلحت مسلمانان است مبنای قانون گذاری قرار دهند. حتی اگر این فتوا مخالف فتوای فقیه صالح برای رهبری نظام باشد.

ولی امر یا مجلس انتخاب شده از اهل حل و عقد می باید هر فتوایی را که مطابق با مصلحت مسلمانان است مبنای قانون گذاری قرار دهند، حتی اگر این فتوا مخالف فتوای فقیه صالح برای رهبری نظام باشد.

بدین ترتیب به روشنی می توان از آثار شهید صدر دریافت که وی

مصلحت را مبنای صدور احکام حکومتی می دانست، چه تعیین آن به عهده ولی امر باشد و یا بر عهده مجلس منتخب نهاده شود.

### زمینه های نظریه منطقه الفراغ

به اعتقاد بسیاری از فقیهان اهل سنت مبتکر نظریه مصالح مرسله امام مالک بود، و فقیهان مالکی در مقام بهره برداری از این اصل با چالش هایی مواجه شدند که مهم ترین آنها تعارض حکم برآمده از آن احکام شرعی استنباط شده از دیگر ادله شرعی است، و از چاره جویی های آنان برای حل این مشکل آن بود که گفتند مصالح مرسل نباید با هیچ حکم شرعی و یا ادله آن مخالف باشد.

برخی از مفسران اهل سنت در تفسیر این آیه شریفه «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» با مشکل مشابهی روبرو شدند، مشکل آن است که اگر مقصود از اولی الامر امامان، سلاطین و قضات و هر کسی است که ولایت شرعی دارد. در مواردی که احکام آنان با احکام شرعی اختلاف داشته باشد، چه باید کرد. و اگر نمی توان حکم آنان را بر حکم خداوند مقدم دانست - که بی شک چنین است - برای رفع تعارض میان وجوب اطاعت از خداوند و اولی الامر چه چاره ای می توان

تدریج با آنها روبرو می شود و هر قدر انسان تجارب و اطلاعات بیشتری در زندگی داشته باشد نیازهای یاد شده گسترش افزون تری می یابد، از این روی نیازهای اساسی، ثابت و نیازهای غیر اساسی، متغیر و دگرگون است.<sup>۹</sup>

بدین ترتیب، نیازهای انسان متغیر است و ثابت و نظام های اجتماعی و اقتصادی زمانی می توانند صحیح و شایسته باشند که هم دارای جنبه ثابتی باشند که هم دارای جنبه ثابتی باشند که هم دارای جنبه های متغیر که نیازهای متغیر را در برداشته باشد. از این رو معقول نیست که همه اصول و جزئیات نظام اجتماعی و اقتصادی ثابت باشد، به همان سان که متغیر بودن همه آنها نیز به همین مقدار نادرست و زیان آفرین است.<sup>۱۰</sup>

**نظام های اجتماعی و اقتصادی زمانی می توانند صحیح و شایسته باشند که هم دارای جنبه ثابتی باشند که نیازهای ثابت را برآورد و هم دارای جنبه های متغیر که نیازهای متغیر را در برداشته باشد.**

استاد شهید، سیدمحمدباقر صدر معتقد است اسلام نیز به این حکم عقل عمل کرده و قوانین خود را در دو بخش ثابت و متغیر قرار داده است؛ احکام اسلامی یکسره ثابت نیستند، همان گونه که یکسره متغیر نیستند بلکه بخشی از آنها - که قسمت اساسی را تشکیل می دهد - احکام ثابت است و بخش دیگر متغیر و متطور که مطابق با دگرگونی ها و تغییر اوضاع و احوال انعطاف پذیرند؛ احکام ثابت در قوانین اسلام در واقع پاسخی است که نظام اسلامی به نیازهای انسان می دهد و چگونگی رسیدن به آنها را به گونه ای جامع فراروی آدمیان می نهد. به عنوان نمونه نیازهایی چون تضمین معیشت انسان، حق استفاده از ثروت به دست آمده از کار، تأمین شرایط لازم برای بقای نسل، تأمین امنیت جانی و مالی، ارتباط و وابستگی به موجود مطلق در زمره نیازهای ثابت قرار دارد که احکامی از قبیل توزیع ثروت، ازدواج، طلاق، احکام حدود و قصاص و نظام عبادی برای دستیابی به آنها وضع شده اند. متقابلاً گروهی از احکام، ثابت و دائمی نیستند و همواره در حال تغییر و تحول اند و آنها احکامی است که اسلام به ولی امر مسلمین اجازه داده است تا بر طبق مصلحت ها و نیازهای متغیر جامعه و در پرتو جنبه ثابت نظام اسلامی احکامی جعل کند که در حال تغییر است.<sup>۱۱</sup>

### ولایت فقیه و حکومت اسلامی

از ویژگی های نظریه شهید صدر درباره مصلحت آن است که وی رابطه تنگاتنگی میان مصلحت و ولایت می داند؛ وی در زمره فقیهانی است که به تشکیل حکومت اسلامی اعتقاد و دلبستگی خاصی داشته و جان خود را برای شکوفا شدن آن در عراق نثار کرده است.

در این جا مجال آن نیست که دیدگاه ایشان درباره ولایت فقیه و حکومت و تفاوت های نظریه ایشان با نظریه امام خمینی (ره) بررسی شود و تنها یادآوری این نکته لازم است که ایشان اولاً؛ به ولایت فقیه و قطعاً به حکومت اسلامی اعتقاد داشت و ثانیاً؛ ولایت و مصلحت را دارای رابطه وثیقی می دانست. آن شهید فرزانه به مناسبت های مختلف تأکید می ورزید که احکام حکومتی و یا احکام متغیر از ناحیه ولی امر و یا حکومت، و بر اساس مصلحت برای تحقق عدالت صادر شود. بدین سان می توان مسأله مصلحت را در زمره مسایل مربوط به ولایت و حکومت دانست.<sup>۱۲</sup>

### مصلحت ضابطه احکام حکومت

در پاسخ به سؤال یاد شده شوکتانی و آلوسی معتقدند که اطاعت از حاکمان تنها در این فرض جایز است که از قلمرو احکام شریعت با فراتر نهند، چه این که «لا طاعة لمخلوق فی معصیة الخالق...»<sup>۱۲</sup>

آلوسی با در نظر گرفتن اختلافات اهل سنت در این باره که برخی از آنان در حوزه مباحات برای ولی امر حق دخالت قائلند و برخی آن را ممنوع کرده و گروهی آن را منوط به مصلحت عمومی دانسته اند و پس از تأکید بر عدم لزوم اطاعت در احکام مخالف با شرع، می نویسد:

«آیا عدم لزوم اطاعت از آنان قلمرو مباحات را نیز در بر می گیرد؟ در این باره اختلاف نظر است. برخی گفته اند اطاعت از آنان در این حوزه واجب نیست زیرا هیچ کس نباید آن چه را خداوند حلال کرده، حرام کند و برخی گفته اند در حوزه مباحات نیز اطاعت واجب است. «حصکفی» از کسانی است که به صراحت این را گفته اند. برخی از محققان شافعی مذهب نیز گفته اند اطاعت از امر و نهی امام تا زمانی که به حرامی فرمان ندهد واجب است. و برخی دیگر گفته اند هر گاه امر او از مصلحت نشأت نگرفته باشد، اطاعت از وی در باطن واجب نیست، اما آن دسته از اوامر او که برخاسته از مصلحت باشد اطاعت ظاهری و باطنی از آنها واجب است...»<sup>۱۳</sup>

در سخنان آلوسی به انحصار و خوب اطاعت از امام در قلمرو مباحات به گونه ای آشفتگی و مبهم اشاره شده و خود او در مقام نتیجه گیری نتوانسته است از دیدگاه های دانشوران گذشته طرفی ببندد و به نتیجه ای روشن دست یابد.

در میان فقهای شیعه شیخ انصاری در بحث از شروط مطلبی دارد که می توان آن را به سرنخی برای نظریه منطقه الفراع دانست؛ در آن جا شیخ به این نظر فقها، اشاره می کند که هر شرط مخالف شرع به دلیل روایاتی از قبیل «الشرط اخل حراماً و حرم حلالاً» بی اعتبار است. شیخ در این جا سؤال مهمی را مطرح می کند که چه شرطی حلال را حرام و یا حرام را حلال می کند؟ برای مثل اگر انسان نذر کند عمل مباحی را انجام دهد و یا عمل مباحی را ترک کند، آیا این حرام کردن حلال است و واجب کردن غیر واجب است؟

شیخ در پاسخ می گوید تحریم حلال و تحلیل حرام آن است که کسی حکمی را به دین خدا نسبت دهد و حکمی را که واجب و یا حرام نیست، واجب و حرام دانسته و آن را تغییر دهد. بنابراین اگر پدر به فرزند دستور دهد امر مباحی را باید انجام دهد، و یا مباحی را باید ترک کنی. این تحریم حلال و تحلیل حرام نیست؛ چون خداوند فرموده است اطاعت از پدر واجب است. اما پدر نمی تواند به فرزندش امر کند که حکمی را که واجب یا حرام است ترک کند یا مرتکب شود.<sup>۱۴</sup> در واقع شهید صدر آنچه را که شیخ انصاری در وجوب اطاعت از پدر گفته است درباره وجوب اطاعت از ولی امر مطرح کرده است.

**تحریم حلال و تحلیل حرام**  
آن است که کسی حکمی را به دین خدا نسبت دهد و حکمی را که واجب و یا حرام نیست، واجب و حرام دانسته و آن را تغییر دهد.

#### منطقه الفراع در سخنان نائینی

نائینی در کتاب «تبیحیه الأمة و تنزیه الملة»، تأکید می ورزد احکام مجلس و دولت باید در حوزه احکام شرعی غیر

منصوص باشد و در این حوزه است که در زمان غیبت وضع قوانین و احکام به فقها و اگذا شده است و مشورت با متخصصان در مجلس شورای اسلامی در این قلمرو صحیح است و در احکام منصوص موضوعیت ندارد؛ در آنجا باید تطبیق شود و در اینجا وضع و تعیین، وی در این باره چنین می نویسد:

«بدان که مجموع وظایف راجعه به نظم و حفظ مملکت و سیاست امور امت - خواه دستورات اوله متکفله اصل دستور العمل های راجعه به وظایف نوعیه باشد، یا ثانویه متمسکه مجازات بر مخالفت دستورات اولیه - علی کل تقدیر، خارج از دو قسم نخواهد بود؛ چه بالضروره یا منصوصاتی که وظیفه عملیه آن بالخصوص معین و حکمش در شریعت مطهره مضبوط است و یا غیر منصوصی که وظیفه عملیه آن به واسطه عدم اندراج در تحت ضابط خاص و میزان مخصوص غیر معین و به نظر و ترجیح ولی نوعی موکول است. واضح است که همچنان که قسم اول نه به اختلاف اعصار و امصار قابل تغییر و اختلاف و نه جز تعبد به منصوص شرعی الی قیام الساعة وظیفه و رفتاری در آن متصور تواند بود، قسم ثانی هم تابع مصالح و مقتضیات اعصار و امصار و به اختلاف آن قابل تغییر است. چنانچه با حضور و بسط ید ولی منصوب الهی - عز اسمه - حتی در سایر اقطار هم به نظر و ترجیحات منصوبین از جانب حضرتش - صلوات الله علیه - موکول است، در عصر غیبت هم به نظر و ترجیحات نواب عام یا کسی که در اقسامه وظایف مذکوره عمن له ولایة الاذن، مأذون باشد، موکول خواهد بود و بعد از کمال وضوح و بدهت این معنا فروع سیاسیه مترتب بر این اصل بسدین، ترتیب است...»<sup>۱۵</sup>



انصاری

مرحوم نائینی از این تقسیم پنج نتیجه می گیرد:

- ۱- بی شک تطبیق قوانین مملکت بر احکام شرع لازم است و مقصود از آن تطبیق در احکام شرعی منصوص (قسم اول) است و در قسم دوم تطبیق معنا ندارد و بی موضوع است؛
- ۲- مشورت تنها در قسم دوم جریان می یابد و در قسم اول راه ندارد؛
- ۳- الزام به احکام قسم دوم در زمان حضور یا معصومین علیهم السلام و در زمان غیبت با نواب آن حضرت است؛
- ۴- معظم سیاست و آنچه به تدبیر امور کشور باز می گردد از قسم دوم است؛
- ۵- در قسم دوم؛ یعنی حوزه احکام غیر منصوص و مباح، رعایت مصلحت لازم است و در واقع این حوزه، قلمرو احکام متغیر است؛ نائینی در این باره چنین می نویسد:

«چون دانستی قسم دوم از سیاست نوعیه در تحت ضابط و میزان معین غیر مندرج و به اختلاف مصالح و مقتضیات مختلف. و از این جهت در شریعت مطهره غیر منصوص و به مشورت و ترجیح من له ولایة النظر موکول است. پس البته قوانین راجعه به این قسم، نظر به اختلاف مصالح و مقتضیاتش به اختلاف اعصار لامحاله مختلف و در معرض نسخ و تغییر

الاغنیاء منکم» به این هدف مهم اشاره می کند که نباید گروه خاصی بر ثروتها و اموال سلطه یابند بلکه باید ثروت ها تعدیل شده و در میان همه مردم گسترانیده شود.<sup>۲۰</sup>

روایات مربوط به زکات به روشنی نشان می دهد که اسلام در پی سیر کردن فقیران به قدر ضرورت نیست، بلکه هدف از جعل زکات آن است که فاصله طبقاتی میان مردم کم شود و قشر ضعیف و نادار به مرحله ای از امکانات و رفاه که در خور شأن آنان است، دست یابند.<sup>۲۱</sup>

آیاتی از قرآن نیز نشانگر آن است که ارزش هایی از قبیل عدالت، برابری و ایجاد روحیه برادری میان مؤمنان از اهداف مهم اسلام است<sup>۲۲</sup> که ولی امر باید در جعل احکام متغیر مصلحت های مردم را در پرتو آنها بسنجد و با این سنجش و ارزیابی به جعل احکام حکومتی دست یازد.

از سخنان شهید صدر بر می آید که ولی امر اولاً باید همه احکام خود را در «منطقه الفراع» بر مصلحت ها مبتنی سازد و ثانیاً این مصلحت ها و احکام نشأت گرفته از آن در پرتو مصلحت ها و اهداف احکام دایمی تفسیر شده و رنگ و روی آن را به خود گرفته و در پی استقرار آن باشد.

### مرجع تشخیص مصلحت

پیش از این آوردیم که پر سازی منطقه خالی و آزاد (منطقه الفراع) را شارع مقدس برای تأمین نیازهای متغیر جامعه و حکومت اسلامی، قرار داده است و اشاره کردیم که این مسؤولیت در زمان حضور بر دوش پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام است و تنها آنان هستند که می توانند حکومت اسلامی کامل و راستین را پدید آورند و این وظیفه را در زمان غیبت بر دوش ولی امر و یا مجلس گذاشته اند. در این بخش پاسخ دقیق تر به این پرسش را پی می گیریم.

شهید صدر در این باره دو نظریه دارد؛ بر پایه نظریه اول ایشان که در اقتصادنا آمده است، از مناصب ولی امر آن است که با در نظر گرفتن مصالح و منافع جامعه احکام حکومتی که پیشرفت جامعه اسلامی را در پی داشته باشد، وضع کند. در آنجا، بر اثبات این نظریه استدلال می کند و می نویسد برای اثبات آن می توان هم به عقل و هم به نقل تمسک جست. دلیل عقلی را بر سه مقدمه مبتنی می سازد؛ مقدمه اول آن که بی هیچ تردیدی نظام اقتصادی باید بر عدالت اجتماعی استوار باشد. این مقدمه روشن است چون آیات و روایاتی که ما را به برپایی عدالت فرا می خواند فراوان است [و نیز حسن عدل و قبح ظلم از مستقلات عقلی است]. مقدمه دوم آن که چگونگی استقرار عدالت اجتماعی و مصالح عمومی در بستر زمان دگرگون شده و تغییر می یابد؛ به عنوان نمونه در عصر پیامبر خدا (ص) آزاد بودن افراد در احیاء زمین ها، رونق کشاورزی و دامداری را در پی داشت. از این روی در بردارنده مصلحت و مبتنی بر عدالت بود، ولی در روزگار ما که صنعت و ابزار کشاورزی پیشرفت های شگرفی کرده است، آزادی مردم، به ویژه سرمایه داران، در این موضوع به تبعیض و ستمگری می انجامد.

مقدمه سوم آن که تنها راه حفاظت از عدالت اجتماعی و مصالح عمومی آن است که این منصب به ولی امر سپرده شود. راه محتمل دیگر آن است که به خود مردم واگذار شود و این نقض غرض را در پی

است و مانند قسم اول مبنی بر دوام و تأیید نتواند بود. و از اینجا ظاهر شد که قانون متکفل وظیفه نسخ و تغییر قوانین به این قسم دوم مخصوص و چقدر صحیح و لازم و بر طبق وظیفه حسیه است.<sup>۱۶</sup>

### شکوفایی نظریه منطقه الفراع

بسیاری از عناصر نظریه شهید صدر در «منطقه الفراع» آن گونه که خواهد آمد در مطالب نائینی آمده است و شهید صدر در واقع آن را پخته و سخته کرده و عالمانه به بسط و گسترش و سامان دهی آن پرداخته است.

شهید صدر پس از آن که مصلحت را به عنوان مبنا و ضابطه قوانین و احکام حکومت می داند، می نویسد ولی امر باید در پرتو اهداف کلان شریعت که از احکام ثابت به دست آورده و بر اساس منافع و مصالح جامعه، به صدور احکام حکومتی دست یازد. لیکن این احکام قلمرو خاصی دارد و آن جایی است که حکم شرعی واجب و یا حرام نداشته باشیم. در این چارچوب - که وی آن را «منطقه الفراع» می نامد - احکام متغیر بر طبق مصالح منافع جامعه از ناحیه ولی امر جعف می شوند؛ این منطقه خالی از حکم الزامی است و نه خالی از هرگونه حکمی. چه این که هیچ موضوعی نیست که یکی از احکام شرعی بدان تعلق نگیرد.

شهید صدر تأکید می ورزد که نه تنها «منطقه الفراع» نقص نیست و این توهم که این مفهوم بدان معنا است که اسلام برای برخی از موضوعات حکمی پیش بینی نکرده است، بسی بی جا است، چه این که منطقه الفراع - همان طور که یادآور شدیم - به معنای قلمروی است که دارای حکم مباح است و نه فاقد هر حکمی. «منطقه الفراع» نشانگر پویایی نشاط و توان اندیشه اسلامی در پاسخ گویی به مشکلات همه عصرها و نسل ها است و روشی ارائه می دهد که بر پایه آن اسلام می تواند ضمن تأمین نیازهای ثابت انسان، همه نیازهای متغیر وی را برآورده سازد.<sup>۱۷</sup>

شایان ذکر است که گرچه مشروح ترین توضیح در این باره در کتاب «اقتصادنا» و درباره مسایل اقتصادی آمده است،<sup>۱۸</sup> اما شهید صدر در برخی از آثار خود به صراحت آن را به همه احکام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و هر قانون و حکم عمومی، بسط می دهد.<sup>۱۹</sup>

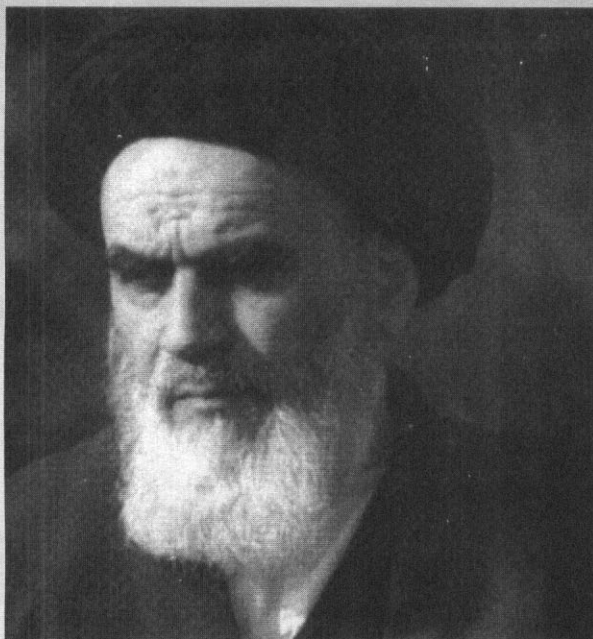
شایان ذکر است که گرچه مشروح ترین توضیح در این باره در کتاب «اقتصادنا» و درباره مسایل اقتصادی آمده است،<sup>۱۸</sup> اما شهید صدر در برخی از آثار خود به صراحت آن را به همه احکام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و هر قانون و حکم عمومی، بسط می دهد.<sup>۱۹</sup>

شهید صدر افزون بر تأکید بر عدم مخالفت احکام صادر شده از سوی حکومت با احکام شرعی و قانون اساسی مطابق با احکام شرعی نکته دیگری را بر آن می افزاید و آن این که احکام متغیر و ولایی باید در پرتو احکام ثابت تفسیر و تحلیل شود؛ شارع مقدس در ضمن بیان احکام ثابت گاه به اهداف مهمی که باید در جامعه تحقق یابد، اشاره می کند و ولی امر و یا دولت و مجلس که قانونگذاران و مجریان امور کشورند نباید احکام متغیر را به گونه ای سامان داده و به آن سمت و سو بخشند که زمینه اهداف شارع که در ضمن جعل احکام ثابت بیان شده، برآورده شود؛ به عنوان مثال خداوند متعال در آیه «فیئی» که بیانگر یک حکم دایمی است با جمله «کی لایکون دولة بین

ولی امر باید در پرتو اهداف کلان شریعت که از احکام ثابت به دست آورده و بر اساس منافع و مصالح جامعه، به صدور احکام حکومتی دست یازد. لیکن این احکام قلمرو خاصی دارد و آن جایی است که حکم شرعی واجب و یا حرام نداشته باشیم.



شهید صدر



دارد؛ زیرا این امر موجب اختلال نظام خواهد شد و هر چند لازم است مردم همه در جهت برآوردن مصلحت و برپایی عدالت گام بردارند و بکوشند لیکن این کافی نخواهد بود. بنابراین برآوردن مصالح و اجرای عدالت لازم است و چون در بستر تاریخ تغییر می یابد باید در هر زمان به دست افراد شایسته و با صلاحیت واگذار شود و جز ولی امر کسی صلاحیت آن را ندارد.<sup>۲۳</sup>

دلیل نقلی عبارت است از آیه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم»

**شهید صدر در استدلال به این آیه چنین می نویسد:**

«این نص به وضوح بر وجوب فرمانبری از والیان امر دلالت دارد. و در این که والیان امر گروهی هستند که در جامعه اسلامی دارای اقتدار و سلطه شرعی هستند بین مسلمین اختلافی نیست و اختلاف در شرایط و صفات آنهاست پس مقتدران بلند مرتبه جامعه اسلامی حق دارند که در تدبیر امور جامعه دخالت کنند و دیگران از آنان اطاعت.»<sup>۲۴</sup>

نظریه دوم ایشان آن است که تشخیص مصلحت ها و پرکردن منطقه الفراغ را باید به مجلس منتخب مردم، که از اهل حل و عقد تشکیل شده است، سپرده شود. در کتاب «الاسلام یقود الحیاة» ضمن اشاره به وظایف مجلس می نویسد:

«دوم آن که در قلمروی که شرع مقدس حکم قاطعی؛ یعنی

حرمت و وجوب ندارد مجلس منتخب

مردم قوانینی را که به مصلحت می داند

وضع می کند بدین شرط که مخالف

قانون اساسی نباشد و قلمروی که

قانونگذاری در آن آزاد است، منطقه الفراغ

نامیده می شود. و این منطقه الفراغ همه

حالاتی را که شرع مقدس در آنها موضع

معین و حکم خاصی (وجوب و حرمت)

ندارد در برمی گیرد. (و همان طور که یادآور شدیم). قوانین

مجلس باید مطابق با مصلحت عمومی مردم بوده و با قانون

اساسی مخالف نباشد.»<sup>۲۵</sup>

**تشخیص مصلحت ها و**

**پرکردن منطقه الفراغ را باید**

**به مجلس منتخب مردم، که**

**از اهل حل و عقد تشکیل**

**شده است، سپرده شود.**

احکام الهی را ترویج و تبلیغ کند و همه سخنان و اعمال او - تا آنجا که به این جهت مربوط است - حجت است و بر طبق منصب دوم او می باید بر طبق مصلحت، منطقه الفراغ را از احکام ولایی پر می ساخت و احکام پیامبر خدا در این باره کم نیست و به هیچ یک از آنها نمی توان به عنوان حجت شرعی استدلال کرده و حکمی از آنها استنباط کرد.<sup>۲۸</sup>

**نگاهی به نظریه شهید صدر**

به لحاظ تاریخی همان طور که آوردیم روح این نظریه و بسیاری از عناصر آن در دیدگاه نائینی آمده است؛ نائینی از منطقه الفراغ به «حوزه» غیر منصوص تعبیر کرد. و مسأله مصلحت مداری، تغییر حکم در این حوزه به تبع تغییر مصلحت ها و نیز جایگاه ولی فقیه و مجلس شورا را در آن به خوبی و به طور فشرده بیان داشت. لیکن شهید صدر آن را سامان داده و به صورت یک طرح جامع، گسترده و مستدل در آورده است.

به نظر می رسد در نظریه شهید صدر ابهامات و پرسش هایی وجود دارد که در نظریه منطقه الفراغ پاسخ روشنی برای آن نمی توان یافت.

یکی آن که به چه دلیل احکام حکومتی ولی امر تنها در قلمرو مباحات اعتبار دارد و او نمی تواند فراتر از آن حکمی صادر کند؟ به ظاهر پاسخ روشن است؛ بدین سان که در این محدوده حکم الزامی شرعی نداریم؛ از این روی هرگونه حکم چه ممنوعیت مطلق و چه لزوم مطلق و چه مشروط، مخالف حکم شرعی نخواهد بود. برخلاف آن که اگر حکم حکومتی در محدوده واجبات و محرمات باشد؛ سبب مخالفت با حکم خدا خواهد شد، در چارچوب مباحات چنین نیست.

بدین سان این نظریه برخلاف نظریه امام خمینی که با این چالش مواجه بود، از جهت مخالفت با حکم شرعی هیچ مشکلی ندارد.

لیکن به نظر می رسد این نتیجه گیری مبتنی بر یک نظریه است و آن این است که تنها مخالفت احکام ولایی با وجوب و حرمت مصداق

همان طور که امام خمینی تشخیص مصلحت<sup>۲۶</sup> و صدور احکام حکومتی را از مناصب و وظایف ولی فقیه می دانست که در نظام جمهوری اسلامی به مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار شده است. محتمل است مقصود شهید صدر در نظریه دوم نیز همین باشد که در این فرض با نظریه اول ایشان منافاتی ندارد. شاید به همین دلیل باشد که یکی از شاگردانش نظریه ایشان در کتاب «الاسلام یقود الحیاة» دارای ابهام دانسته است، با این حال نباید از نظر دور داشت که در اثر یاد شده، شهید صدر تشخیص مصلحت را به صراحت از وظایف مجلس می داند.<sup>۲۷</sup>

**روایات حکومتی**

شهید صدر تأکید می ورزد که برخی از روایات نقل

شده از پیامبر اکرم بیانگر حکم دائمی نیست، بلکه

آن حضرت از آنجا که دو منصب داشت،

منصب تبلیغ احکام الهی و منصب ولایت،

بر اساس منصب اول او وظیفه داشت



جهت صحیح است که مطابق احکام خداوند بی آنکه هیچ کاستی یا فزونی در آنها پدید آورد، عمل می کند. در همین کتاب در باب شروط صحت شرط می خوانیم: «المسلمون عند شروطهم الاً شرطاً حرم حلالاً أو أحل حراماً.»<sup>۳۱</sup> و نیز در همانجا آمده است که این مضمون در روایات مستفیض بلکه متواتر معنوی آمده است که هرگونه شرطی برخلاف کتاب خداوند باطل است و بی اعتبار. این روایات گرچه دربارۀ شرط مخالف کتاب و سنت است لیکن می توان از آنها ملاکی استنباط کرد و اصل حلال کردن حرام خدا و حرام کردن حلال خدا را در یک ردیف دانست.<sup>۳۲</sup>

۹۵

اگر گفته شود مقصود آن است که نباید کسی حکمی را که خداوند حلال کرده، بگوید حرام است، در احکام حکومتی این گونه نیست زیرا در آنجا حاکم اسلامی می داند، این حکم در اصل مباح بوده و بدان اعتراف دارد لیکن به دلیل وجود مصلحت آن را موقتاً حرام می کند یا آنچه لازم نیست، به مرحله لزوم می رساند. در پاسخ گفته می شود این روایات اطلاق دارد و شامل این حالت می شود. چه این که هر شرط مخالف کتاب خدا و نیز شرطی را که در آن حلال خدا حرام شود گرچه حرام کننده خود اعتراف به حلال بودن آن داشته باشد باطل و بی اعتبار است.

خداوند متعال همان مصلحتی که در واجب و حرام و یا در وجوب و حرمت بوده و به خاطر آن این حکم الزامی را بدان ها بخشیده و جعل فرموده است. در مباح و یا اباحه اشیاء نیز وجود داشته و با ملاحظه آن اباحه را وضع فرموده است.

به طور خلاصه در قرآن کریم با همان آهنگ و لحنی که از حرام کردن اشیاء سخن می گوید - به مثل، می فرماید: «حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم...»<sup>۳۳</sup> یا «حرمت علیکم المیتة و الدم و...»<sup>۳۴</sup> - که حلال کردن اشیاء را تبیین می کند؛ به عنوان نمونه: «أحل لكم الطيبات»<sup>۳۵</sup> و «و أحل لكم ما وراء ذلكم...»<sup>۳۶</sup>

بدین سان حلال ها و مباح ها همان ارج، ارزش و قیمتی را دارند که واجب ها و حرام ها، چه هر دو از یک ناحیه نازل شده اند و یک مخاطب دارند و خداوند متعال همان مصلحتی که در واجب و حرام و یا در وجوب و حرمت بوده و به خاطر آن این حکم الزامی را بدان ها بخشیده و جعل فرموده است. در مباح و یا اباحه اشیاء نیز وجود داشته و با ملاحظه آن اباحه را وضع فرموده است. افزون بر این که برخی از آیات قرآن به صراحت از حلال کردن حرام ها نهی می کند؛ خداوند در قرآن می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طيبات ما أحل الله لكم و لا تعتدوا إن الله لا یحب المعتدین»<sup>۳۷</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده اید چیزهای پاکیزه را که خدا بر شما حلال کرده، حرام نکنید و از حد مگذرید که خداوند از حد گذرندگان را دوست نمی دارد.»

این آیه شریفه از حرام دانستن حلال ها را نهی می کند و آن را تجاوز به حریم احکام الهی می شمارد. بدین سان که هرچه را خداوند متعال حلال کرده، طیب و پاکیزه است به عبارت دیگر مصلحتی در آن نهفته است و به گفته قرآن «یحل لهم الطيبات و یحرم علیهم الخبائث»<sup>۳۸</sup> از این روی به همان اندازه که از تکاب حرام انسان را به پلیدی ها می آلاید، اجتناب از

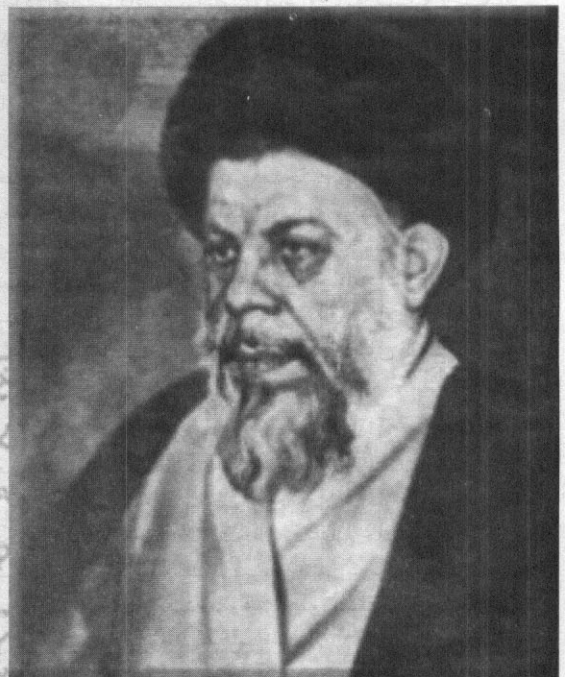
آنچه در میان احکام پنجگانه تکلیفی اهمیت دارد واجب و حرام است و تنها مخالفت با این دو حکم است که مصداق مخالفت با حلال و حرام خداوند است و نادیده گرفتن مکروه، مستحب و حلال مصداق مخالفت با احکام الهی نیست

مخالفت با حکم خدا است؛ به عبارت دیگر آنچه در میان احکام پنجگانه تکلیفی اهمیت دارد واجب و حرام است و تنها مخالفت با این دو حکم است که مصداق مخالفت با حلال و حرام خداوند است و نادیده گرفتن مکروه، مستحب و

حلال<sup>۲۹</sup> مصداق مخالفت با احکام الهی نیست. مؤید این نکته آن است که فقیهان در باب اثبات احکام مستحب به قاعده تسامح در ادله سنن تمسک می جویند و با تمسک به روایات ضعیف، فتوا به استحباب موضوعی می دهند.

این نکته گرچه به ظاهر مسلم و روشن می نماید لیکن اثبات آن کار آسانی نیست؛ وقتی خداوند متعال حکمی را مکروه، مستحب و مباح دانسته است مخالفت با آن، مصداق مخالفت با حکم الهی است، به عبارت دیگر ما باید همه احکام الهی را ارج نهیم و حرمت آنها را پاس داریم و هرگاه خداوند متعال بندگان خود را در حکمی آزاد گذاشته و در وجوب یا حرمت آن مصلحت ندیده و یا متعلق آنها را دارای مصلحتی در حد وجوب و حرمت ندانسته به چه دلیل حاکم و یا هر کس دیگر می تواند همان را بر مردم واجب اعلام کند و به نظر می رسد به تعطیل کشاندن واجب و یا تحقق بخشیدن به حرام نیز به همان میزان مخالفت با حکم خداست است.

دلیل این نکته روایاتی است که از وضع هرگونه قانونی برخلاف قوانین الهی نهی می کند. آن روایات به اطلاق خود شامل وضع هر قانونی که مخالف با هر یک از احکام پنجگانه باشد، می شود. به عنوان نمونه در روایت تحف العقول که شیخ انصاری اثر ارزنده خود، مکاسب را با افتتاح بدان زینت بخشیده درباره والی عادل تعبیر «بلازیادة و نقیصة» آمده است. بر طبق این روایت، همکاری و کارمندی با والی عادل از آن



امور پاکیزه و طیب انسان را از سودمندی های آنها محروم می سازد و نیز همان طور که بی اعتبار دانستن حرام ها و سرزدن از حقوق دینی و الهی تجاوز به حریم احکام الهی محسوب می شود. حرام دانستن حلال ها و دوری جستن از آنها نیز در زمره تجاوز به حدود الهی به شمار می آید و خداوند تجاوز کاران را دوست ندارد.<sup>۴۱</sup>

اگر گفته شود در آیه شریفه واژه «طیبات» نشان می دهد که این حکم ویژه خوراکی ها و امثال آن است. پاسخ آن است که چنین نیست؛ زیرا اولاً: جمله «ولانعدوا» در پایان آیه عمومیت دارد و هرگونه سرزدن از احکام الهی و پشت کردن به آنها را در بر می گیرد و در خصوص حرام کردن احکام خداوند این شمول قطعی است چه این که به ظاهر جمله پایانی آیه در پی بیان قاعده ای است که مصداقش در آغاز آیه آمده است.<sup>۴۲</sup> ثانیاً: واژه «طیبات» در واقع بیانی است برای حلال ها؛ یعنی خداوند متعال به حکمت حلال کردن اشیاء اشاره کرده و می فرماید آنچه را حلال کرده ایم طیب است و پاکیزه پس نیاید آن را حرام دانست؛

علامه طباطبایی در تفسیر آیه چنین می نویسد:

«این آیه مؤمنان را از حرام کردن آنچه که خداوند حلال کرده باز می دارد، حرام کردن حلال ها بدین صورت است که یا آن را کسی با تشریح حرام کند و یا دیگران را از انجام آن باز دارد و خود از آن امتناع ورزد ... و اضافه واژه «طیبات» به جمله بعدی با آن که نیازی به آن نبود و معنا بدون آن کامل بود برای اشاره به کامل کردن علت نهی است ... و مقصود از «اعتداء» در آیه شریفه همان حرام کردن حلال ها است که در اول آیه خداوند از آن نهی فرمود، در واقع جمله «لا

تعدوا» به جای تأکید «لاتحرموا» است.<sup>۴۳</sup>

«بدین سان بر پایه این آیه و آیاتی از این دست<sup>۴۴</sup> مخالفت با حلال خدا بسیار خطیر می نماید. و مخالفت با آن، مخالفت با حکم خدا به شمار می آید و از مصادیق روشن مخالفت، آن است که حکمی از سوی ولی امر یا هر کس دیگر این مباح را الزامی کند. از این روی به همان اندازه که مخالفت با واجب و حرام ممنوع است، با حلال نیز مخالفت جایز نیست و بدین ترتیب هرگاه احکام ولی امر و یا مجلس سبب شود یک حکم مباح الزامی گردد - آن گونه که در منطقه الفراغ چنین آمده است - در واقع با یک حکم شرعی مخالفت شده است.

از آن چه آوردیم نتیجه می گیریم که نظریه منطقه الفراغ در واقع نقض غرض است، چه این که از اهداف این نظریه فرار از مخالفت با حکم شرعی است و نتیجه اش فرو غلتیدن در آن.

به نظر می رسد کلید اصلی حل این مشکل، مسأله اهم و مهم است که می تواند باب این مشکل را بگشاید و موانع شرعی را از سر راه بردارد.

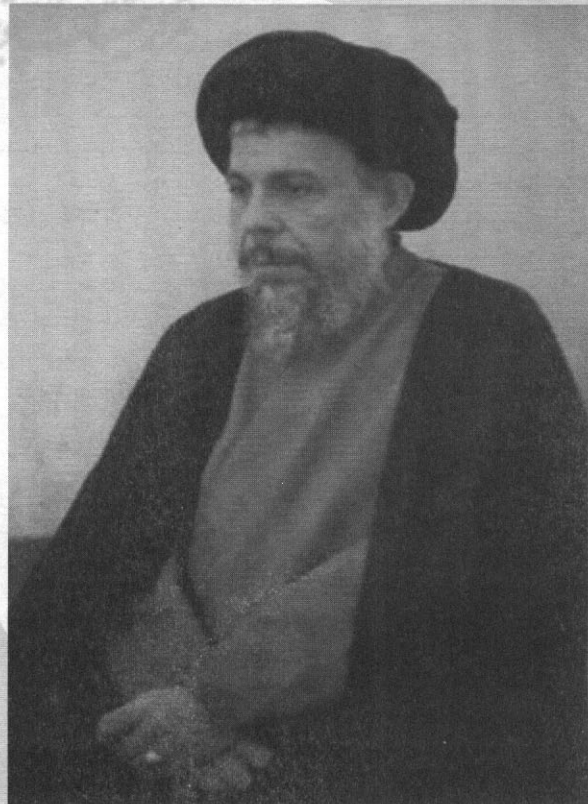
شایان ذکر است که این بدان معنا نیست که از خطیر بودن مخالفت با حرام و واجب کاسته شود بلکه آن به قوت خود باقی است. و حساسیت فقهایی چون شهید صدر در برابر عدم مخالفت با آنها بسی در خور تحسین است.

قاعده تسامح در ادله سنن هم جای تأمل بسیار دارد و بررسی آن در این مقاله نمی گنجد، اجمالاً بررسی های نگارنده نشان می دهد همان حساسیتی که باید در استنباط احکام واجب داشته باشیم، در استنباط احکام مستحب نیز ضروری می نماید.

### راه شناخت روایات حکومتی

نکته بسیار مهمی که در نظریه منطقه الفراغ به چشم می خورد راه شناخت روایات حکومتی است و اینکه پیامبر خدا دو منصب داشت، منصب پیام آوری و تبلیغ احکام خداوند و منصب ولایت و ریاست بر مردم. آن حضرت به دلیل داشتن منصب اول احکام ثابت الهی را تبیین و تبلیغ کرد و از آن روی که ولی مسلمین و مسؤول تدبیر جامعه اسلامی بود و باید منطقه الفراغ را با ملاحظه مصالح و منافع جامعه از احکام ولایی و برخاسته از مصلحت، پر می کرد، احکام متعدد حکومتی صادر کرد که روایان و محدثان بسیاری از آنها را در منابع روایی نقل کرده و گردآورده اند. از دیدگاه شهید صدر نمی توان از این احادیث احکام دایمی شرعی را استنباط کرد زیرا این روایات ناظر به احکام حکومتی و مصلحتی است که در زمان ها و مکان های مختلف تغییر می یابد.

شهید صدر نمونه های جالبی از آنها را یادآور می شود، اما معیاری ارائه نمی دهد که چگونه می توان روایات حکومتی از غیر حکومتی را باز شناخت و چه سان می توان به روایات حکومتی دست یافته و در نتیجه زمینه عدم خلط آنها را فراهم ساخت. با این همه نظریه شهید صدر درباره مصلحت درخور تأمل و شایسته پژوهش های مستقلی است و می تواند از برخی زوایا راهگشا باشد.



بيروت دارالتعارف للمطبوعات ١٤١٠ ق. ص ١٨ و ١٩. ونيز خطوط تفصيلية عن اقتصاد مجتمع الاسلامي، ص ٧٩-٨٨.

٢٠- الاسلام يقود الحياة ييشين و صورة تفصيلية عن اقتصاد المجتمع الاسلامي، چاپ شده در ضمن المجموعة الكاملة لمؤلفات السيد محمداقصر الصدر، ييشين، ص ٤٨.

٢١- همان، ص ٤٩.

٢٢- همان.

٢٣- صورة تفصيلية عن اقتصاد مجتمع الاسلامي ييشين و اقتصادنا، ص ٣٠١.

٢٤- صورة تفصيلية عن اقتصاد مجتمع الاسلامي ييشين و اقتصادنا، ص ٣٠١ و ٥٢٧.

٢٥- الاسم يقود الحياة، لجنة فقهية تهديدية، ص ١٩. اين اثر فشرده را شهيد صدر در پاسخ گروهی از روحانيون لبنان در باره تبیین اصول و مبانی قانون اساسی و انقلاب اسلامی ایران نگاشته است.

٢٦- رك: اندیشه صادق، شماره ٥، نظريه مصلحت از دیدگاه امام خمینی، سيدعلی حسینی.

٢٧- مصاحبه با سيد كاظم حائری، مجموعه نقش زمان و مكان در اجتهاد، ييشين، ج ١٤ ص ١١١.

٢٨- همان، صص ٤٢٢، ٤٠١، ٧٢٥ و ٧٢٦.

٢٩- شهيد صدر در «الاسلام يقود الحياة» (لجنة فقهية) ص ١٩ به صراحت می نویسد: «مقصود از منطقه الفراغ، حوزه ای که حکم در آن واجب یا حرام نباشد.»

٣٠- كتاب المكاسب، ج ٦، ص ١.

٣١- كتاب المكاسب، ج ٦، ص ١، رك: وسایل الشیعه باب ٣ من ابواب الخیار، حدیث ١، ج ١٢، ص ٣٤٩.

٣٢- كتاب المكاسب، ج ٦، صص ٢٢، ٣٤ و ٢٦.

٣٣- سورة نساء / آیه ٢٣.

٣٤- سورة مائده / آیه ٣.

٣٥- سورة مائده / آیه ٤ و ٥.

٣٦- سورة نساء / آیه ٢٤.

٣٧- سورة توبه / آیه ٨٧.

٣٨- السيد عبدالله البشر، تفسير القرآن الكريم، بيروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، بی تا، ص ١٤٥.

٣٩- سورة اعراف / آیه ٥٧.

٤٠- سورة بقره، آیه ٢٢٩، سورة نساء، آیه ١١٤.

٤١- التبیان فی تفسیر القرآن، ييشين، ج ٧، صص ٨ و ٧.

٤٢- محمد بن جریر طبری به کوشش الدكتور بشار عواد معروف و عصام فارس المرستانی، تفسیر الطبری عن كتابه جامع البیان عن تأویل آیه القرآن، بيروت، مؤسسة الوسالة، ١٤١٥ ق، ج ٣، صص ٨٧-٨٨.

٤٣- محمد حسين طباطبائی ييشين، (الميزان)، ج ٧، ص ١٠٥.

١٠٦- رك: قرطبي ييشين (الجامع الاحكام القرآن)، ج ٦، ص ٢٤٢.

٤٤- به عنوان نمونه سوره تحریم، آیه ١. «يا أيها النبي لم تحرم ما أحل الله لك»

بی نوشتها

\* عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی، الهیات و ارشاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

١- سيد محمد باقر صدر، اقتصاد برتر، علی اکبر سیبویه، تهران، دفتر نشر میثم، بی تا، ص ١٦٩ و نیز سيد محمد باقر صدر؛ گامی در مسیر پژوهشی زیر ساز در اقتصاد اسلامی، بیات شوستری، تهران، انتشارات روزبه، ١٣٥٤ ش، ص ٤٥ و نیز يد محمد باقر صدر. اقتصادانا، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ شانزدهم، ١٤٠٢ ق، ص ٣١٧.

٢- اقتصاد برتر، ييشين؛ ص ١٦٩.

٣- همان طور که اشاره شد بدون در نظر گرفتن اين مقدمات نظريه منطقه الفراغ درست فهمیده نمی شود و برخی از شاگردان ایشان از خلط اين نظريه با احکام متغیر و مسألۀ زمان و مکان گلایه کرده اند. رك: مجموعه نقش زمان و مکان در اجتهاد، مؤسسه نشر و تنظيم آثار امام خمینی، چاپ اول، ١٣٧٤ ش، ج ١٤ مصاحبه به سيد محمود هاشمی ص ١٦ و مصاحبه به سيد كاظم حائری، ص ١١١.

٤- اقتصادنا، ييشين، ص ٣٣٨.

٥- همان.

٦- همان، ص ٣٣٩.

٧- همان، ص ٣٣٩. و نیز صورة عن اقتصاد المجتمع الاسلامي، المجموعة الكاملة لمؤلفات الشهيد محمداقصر الصدر، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤١٠ ق، ص ٤٣-٤٤.

٨- رك: همان و نیز لجنة فقهية تهديدية عن مشروع دستور الجمهورية اسلامية، چاپ شده در ضمن المجموعة الكاملة لمؤلفات السيد محمداقصر الصدر (بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤١٠ ق) ج ١٢، ص ١٩.

٩- سيد محمد باقر صدر، الاسس الاسلامية، الاساس رقم ١، ص ٣٣٧، رك: محسن كديور، نظريه های دولت در فقه شيعه، تهران، نشر فی، چاپ دوم، ١٣٧٧، ص ١٦٠.

١٠- همان.

١١- شهيد صدر در اقتصادنا (ص ٦٨٠-٦٨٤) وضع احکام حکومتی را به عهده ولی فقیه می گذارد و در الاسلام يقود الحیوة، ص ١٨ و ١٩ (لجنة فقهية تهديدية) به عهده مجلس منتخب گذاشته است که توضیح آن خواهد آمد.

١٢- فتح القدير، ج ١، ص ٤٨١.

١٣- السيد محمود آلوسی البغدادي، روح المعانی (بيروت، دارالفکر، بی تا) ج ٣، ص ٦٦.

١٤- شيخ مرتضى انصاری، المكاسب، قم، مجمع الفكر الاسلامي، ١٤٣٠ ق، چاپ اول، ج ٦، ص ٣٤-٣٥.

١٥- محمد حسين نائینی، تشبيه الامه و تزئيه المله، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم، ١٣٧٨، صص ١٣٥-١٣٠.

١٦- محمد حسين نائینی، تشبيه الامه و تزئيه المله، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم، ١٣٧٨، صص ١٣٥-١٣٠.

١٧- اقتصادنا، ييشين، ص ٧٢٦.

١٨- همان، ص ٤٠٢-٤٠٠ و ص ٧٢٦-٧٢٥.

١٩- سيد محمد باقر صدر، الاسلام يقود الحیوة، لجنة فقهية تهديدية، چاپ شده در المجموعة الكاملة لمؤلفات السيد محمداقصر الصدر،